

جایگاه خطیر فتوا

دکتر عایض القرنی

ترجمه: عبدالقادر دهقان

امروزه فتوای شرعی به مزایده و حراج گذاشته شده است. افراد زیادی دیده می شوند که با کم ترین سرمایه علمی و دانش شرعی بدون تأمل و پرهیزکاری درباره مسائل عمومی بزرگ، فتوا می دهند. حتی بعضی با شش نفر دانش آموز و دانشجو، تنها خود را گروه رستگار و فرقه ناجیه تصور می کنند و دیگران را گمراه، مرتد، دروغ گو و گناهکار می دانند.

از نظر آنان دولتمردان، کافر؛ نویسندگان، زندیق؛ شاعران، فاجر؛ عالمان، درباری؛ دعوتگران، فریب کار؛ کارمندان، ستمگر؛ و بازرگانان، خیانت کار هستند و همچون ابو حمزه خارجی عمل می کنند که روزی به رفیق خود گفت: کسی جز من و تو به بهشت راه نمی یابد. رفیقش گفت: «سبحان الله! بهشتی که پهنایش به وسعت آسمان و زمین است، فقط دو نفر به آن راه می یابند؟! این بهشت مال تو باشد من نمی خواهم. به یقین این بهشت، آن بهشتی نیست که خداوند به بندگانش وعده داده است.»

در حدیث آمده است: «أجرؤکم علی الفتیا أجرؤکم علی النار» جسورترین شما بر فتوا کسی است که به ورود در آتش دوزخ دلیرتر و بی باک تر باشد.

چندی پیش من و دکتر سعد البریک با یک جوان گفت و گویی داشتیم؛ او جوانی است که صرفاً مدرک سوم متوسطه دارد، ترک تحصیل نموده و به شیوه خودآموز به مطالعه و تحقیق روی آورده است و می کوشد تا نصوص را بدون آموزگار و استاد بفهمد. وی با تحریف نصوص [قرآن و سنت] و تأویل دلایل، برداشت و تصور خنده آوری از چهره دین و شریعت اسلامی ترسیم می نمود. وقتی از ابن باز و ابن عثیمین نام بردیم سخنان ناشایستی نثار آنان کرد و به آنان تاخت. شگفت اینکه او درباره مسائل اعتقادی، دیه و حقوق جزایی، تولا و تبرا که از مشکل ترین مسائل هستند، اظهار نظر می کرد و فتوا می داد. الحمدلله که بعد از چند جلسه بحث با یکدیگر ذهنش از این وسوسه ها پاک و صاف شد و به اشتباهاتش پی برد.

در زمان حضرت عمر رضی الله عنه مردی به نام صبیغ بن عسل بود که فتوا می داد و بدون فهم و رعایت تقوا به بررسی و تطبیق دلایل شرعی اقدام می کرد. حضرت عمر رضی الله عنه او را احضار کرد و دستور داد تا بر زمین دراز بکشد و سپس در انتظار مردم چند ضربه شلاق بر بدنش نواخت طوری که بی هوش شد؛ آن گاه که به هوش آمد گفت: «أصبحنا وأصبح الملك لله» (شب را برای خدا به صبح رسانیدیم). حضرت عمر رضی الله عنه از او پرسید حالت چطور است؟ گفت: ای امیر مؤمنان! تصویری که گرفتار آن شده بودم اینک بر طرف شده است و به لطف خدا بهبود یافته ام.

اگر در این مرحله نیز سکوت شود درباره مسائل اعتقادی، قصاص و حدود، تولی و تبرأ فتوا صادر خواهند کرد و بدین ترتیب فتوا همانند مال بی‌صاحبی مدعیان بسیاری پیدامی‌کند و عملکرد چنین افرادی دین و ایمان و مال و جان مردم را به نابودی می‌کشاند، و چنانکه گفته‌اند: نیم طیب خطر جان و نیم ملا خطر ایمان است.

صحابه بر اساس پرهیزکاری و ترس از خدا، فتوا دادن را به یکدیگر ارجاع می‌دادند. از امام مالک چهار مسئله پرسیدند، فقط به هشت مسئله پاسخ قطعی داد و در مورد سی و دو مورد دیگر گفت: «نمی‌دانم!» پرسش‌گر با تعجب گفت: امام مالک نمی‌داند؟! امام مالک به او گفت: برو به مردم نیز بگو که مالک چیزی نمی‌داند! این در حالی است که علمای معاصر امام مالک در حق او گفته‌اند: «تا مالک در مدینه است کسی حق فتوا دادن ندارد». امام شافعی درباره او گفته است: «هرگاه از علما یاد می‌شود، مالک همچون ستاره درخشانی در میان آنان است». شاعر می‌گوید: «و مالک حیث اُفتی فی مدینته/فلسط ارضی بفتوی غیر فتواه [هرگاه امام مالک در شهر خود فتوایی صادر کند من جز به فتوای او به فتوای کسی دیگر رضایت نخواهم داد]».

اینک شما را به خدا، مقدار دانش و سطح علمی این عجلان بی‌دانش را با دانش امام مالک مقایسه کنید.

عده‌ای از اینها خود را نظریه پرداز و الگوی تمام عیار اهل سنت و جماعت می‌دانند، هر کس با آنان موافق باشد او را بر صراط مستقیم می‌دانند و هر کس با آنان مخالفت کند او را گمراه و بی‌دین می‌دانند.

خداوند می‌فرماید: «و لا تقولوا لما تصف ألسنتكم الكذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الكذب ان الذین یفترون علی الله الكذب لا یفلحون» [نحل: ۱۱۶]؛ (خداوند حلال و حرام را برایتان مشخص کرده است) و به خاطر چیزی که تنها (از ذهن شما تراوش کرده و) بر زبان‌تان جاری می‌شود، به دروغ مگوئید این حلال است و آن حرام، تا بدین وسیله بر خدا دروغ ببندید. بی‌گمان کسانی که بر خدا دروغ می‌پندند، رستگار نمی‌شوند.



پی‌نوشت:

۱- اخیراً پس از پی‌گیری‌های علمای اسلام، در ماه خرداد همایشی با عنوان «فتوا در جهان باز کنونی» در کشور کویت برگزار شد. وزیر دادگستری و اوقاف و امور اسلامی کویت در این خصوص گفت: مرکز جهانی اعتدال، همایش «فتوا در جهان باز کنونی» را به منظور بررسی مسائل مرتبط با مفهوم فتوا، آداب آن، تفاوت میان فتواهای مختلف، تبیین فتواهای قدیمی و معاصر و تشریح راه‌های از بین بردن آثار منفی در این راستا، برگزار کرد. در این همایش موضوع‌هایی چون نقش مجامع فقهی و اجتهاد گروهی در دستاوردهای معاصر و بررسی فتوا در رسانه‌های گروهی معاصر مورد بررسی قرار گرفت.

امروزه پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای وجود دارد که در آنها مفتی‌های بی‌شماری که صلاحیت فتوا ندارند به صدور فتوا اقدام می‌کنند. آنها نه از قوت استحضار و حافظه و فهم درست برخوردارند و نه از اهداف شریعت چیزی می‌دانند و نه از شناخت واقعیت بهره‌ای دارند، با وجود این فتواهایی نامتناسب و سؤال‌برانگیز و ضد و نقیض صادر می‌کنند. یکی در پاسخ به هر پرسش می‌گوید: «اشکالی ندارد؛ باکی نیست.» دیگری می‌گوید: «گمان می‌کنم؛ والله اعلم؛ به ظاهر؛ به نظر می‌رسد؛ احتیاط واجب»، و کلماتی از این قبیل که نشانه نقص و ضعف علمی و سطحی‌نگری است.

امت اسلامی چگونه می‌تواند دین و دنیای خود را به دست مفتی‌هایی بسپارد که برای طلب دانش زحمتی متحمل نشده‌اند و از رسوخ علمی و فهم دلایل و تفقه در دین بی‌بهره‌اند؟ چگونه می‌توان آینده فرزندان خود و سرنوشت امت اسلام را به دست کسانی بسپاریم که بی‌محابا در مورد مسائلی که علمای بزرگ درباره آنها توقف کرده‌اند، فتوا صادر می‌کنند؛ مسائلی که اگر در زمان حضرت عمر پدید می‌آمد تمام اهل بدر را برای رایزنی و دست‌یابی به راه حل و پاسخ آنها گرد هم می‌آورد.

چه وقت در جهان اسلام و حتی در سطح جهان مرکز یا اتحادیه‌ای برای صدور فتوا و هماهنگی در آن، شکل می‌گیرد که هم به امکانات لازم مجهز باشد و هم علمای راسخ در علم و توانمند در رأس آن قرار داشته باشند و فتواها توسط مترجمین به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شود و از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و با خط‌های تلفن شبانه‌روزی در اختیار امت اسلام قرار گیرد تا از آن اطلاع یابند!

باید به کسانی که عجلانه به صدور فتوا اقدام می‌کنند، همچنین آنان که شتاب زده مردم را کافر، فاسق، بدعتی و گمراه قلمداد می‌کنند، مکرراً هشدار داده شود: «ألا یظن أولئک أنهم مبعوثون لیوم عظیم» آیا آنان باور ندارند که در روز قیامت برانگیخته می‌شوند (و از آنچه کرده و یا گفته‌اند بازخواست خواهند شد).

فتوا به معنای امضا از طرف پروردگار جهانیان است، پس وای بر کسانی که در امضا از سوی خدای یکتا و قهار اشتباه کنند. هر فردی به قدری گناه و لغزش دارد که برای غرق شدنش در اقیانوس پشیمانی در بارگاه الهی کافی است، پس چگونه چنین شخصی می‌تواند گناه دیگران را نیز بر دوش بکشد؟

علمای محترم! شما وظیفه دارید به تدوین فتواهای درست اقدام و از بازی با شریعت مظهر جلوگیری نمایید. دست ناهالان و افراد نادان را که با آتش بازی می‌کنند بگیرید. زیرا اگر افراد، آزاد و خودسر باشند، ابتدا هر دانشجو و طلبه کم‌سنی به صدور فتوا درباره حکم استفاده از تسبیح، زکات زیورآلات، فروهستن لباس و حکم عکس جرأت پیدا می‌کند؛ اگر در این مرحله در برابر آنان سکوت شود به صدور فتوا درباره نوافل، فرائض و واجبات شرعی اقدام می‌کنند، و